

سوال دوم: اگر تلیح مصنوعی وابسته به استمناء شد نیز آیا کما کان استمناء، حرام است؟

مرحوم سید محمد صدر با طرح موضوع در این باره می نویسد:

«و ینبغی أن يكون إخراجہ بغير الجماع، لیستطیع الطیب أن يأخذ بعضه و یلقح به. فقد یقال بالحرمة باعتبار كونه من قبیل (العادة السرية) أو التهیج الذاتي المحرم و الذي علیه (التعزیر) شرعا. و یزید فی الطین بلة فیما إذا فعله رجل آخر كالطیب أو الموظف الصحی، أو امرأة أجنبية كالطیبة أو الممرضة. فإنه یكون حراما من ناحية كشف العورة و لمسها. و بالطبع، فإن أحوط الأشكال شرعا فی الاستمناء هو تهیج الرجل جنسیا مع زوجته، مع تحاشی الإنزال فی الفرج بل فی (إناء) خارجی كالبلاستیک الاعتیادی أو غیره. و بهذا لا یكون أى إشكال شرعی معتد به فی الاستمناء، و مع إمكان هذه الصورة تكون الصورة الآتیة حراما. و أما مع تعذرہا فقد ینحصر الأمر باستمناء الفرد لنفسه، تماشیا للحالات الأخری التي أشرنا إلى حرمتها. و لا یبعد القول بالجواز فی هذه الصورة، أعنی الاستمناء الذاتي لأجل الولد. لأن غاية الدلیل علی حرمة العادة السرية إنما هو ما كان لغیر الغرض العقلائی، و الإجماع قائم علی ذلك. و الإجماع دلیل لبی تقتصر منه علی القدر المتیقن. فإذا كان الاستمناء لغرض عقلائی كالإنجاب، كان زائدا علی القدر المتیقن فیكون جائزا غیر مندرج فی موضوع الحرمة. كما هو غیر بعید، و یكون الاحتیاط بتركه استحبابیا.»^۱

توضیح:

۱. نفس عمل (که نام دیگرش عادة سريه است) چراکه اولاً تهیج حرام است ثانیاً تعزیر بر آن مقرر است. و ثالثاً:
۲. حرمت هم بیشتر می شود اگر کسی دیگر چنین کند.
۳. اما اگر فرد با همسرش ملاعبه کرد ولی منی را در ظروف مخصوص قرار داد، این تحت حرمت قرار نمیگیرد.

۱. ما وراء الفقه، ج ۶، ص ۹.





۴. هم چنین اگر برای تلقیح مصنوعی (و پدید آوردن فرزند) امکان «حصول مع الملاعبه» فراهم نبود، ممکن است بگوئیم ادله حرمت شامل این فرض نمی شود چراکه دلیل اصلی بر حرمت، اجماع است که دلیل لبی و قدر متیقن آن جایی است که غرض عقلایی در میان نباشد.

ما می گوئیم:

۱. دلیل حرمت، تنها اجماع نیست که به عنوان دلیل لبی شناخته شود (اگر چه ظاهراً مرحوم صدر، دلالت یا سند روایات را نپذیرفته است)
۲. اما ممکن است همین استنباط مرحوم صدر را به سبب انصراف قابل حصول بدانیم. (یا به سبب قدر متیقن در مقام مخاطب آن را استفاده کنیم.)
۳. اضمحالی ذلک؛ اگر هم حرمت استمناء را مطلق بگیریم، گفته ایم از ضروریات اسلام آن است که در فرض ضرورت محرّمات، حلال می شوند (به حکم روایاتی که به آنها اشاره کردیم) و لذا اگر برای کسی، بچه دار نشدن به سر حدّ و یا حتی حرجی باشد، می توان حکم به جواز آن نمود.